

«مقاله پژوهشی»

## واکاوی ترجمه آیه ۱۷۲ سوره اعراف بر اساس انسجام متنی و تحلیل واژگان

اباذر کافی موسوی

استادیار، گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۹-۱۴۶۶۵ تهران، ایران a.kafi@cfu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

### Analyzing the Translation of Verse 172 of Surah A'raf Based on Textual Coherence and Vocabulary Analysis

Abazar Kafi Mousavi

Assistnt Professor, Department of Islamic Education, Farhangian University, P.O. Box 14665-889, Tehran, Iran.

#### چکیده:

#### Abstract:

Some commentators have referred to verse 172 of Surah Al-Araf for the existence of the universe. But some consider the meaning of the words and the appearance of the verse to be against this claim. The current research is descriptive-analytical with the aim of finding the correct translation and in accordance with the contextual evidence to find an answer to the question that what is the most appropriate translation of verse 172 of Surah A'raf based on the structure and textual coherence of Sura A'raf? Based on this, by putting the apparent meaning of the words of the verse as the principle, he explained the coherence and connection of the verses of Surah A'raf and came to the conclusion that the main focus of this surah is a call to obey the Holy Qur'an and a warning to those who oppose this call, and for this purpose, He states the consequences of denying the call of truth from Hazrat Adam to the last prophet and reaches a conclusion in verse 172 and says: (We created the children of Hazrat Adam generation after generation and made them witnesses We decided on our own: Am I not your God? And they said yes, we testify. This confession is for the sake of not saying on the Day of Judgment that we were ignorant of it). This translation does not refer to the subterranean world, nor to the natural call; Rather, it is an intellectual confession that was formed based on the observations of the verses and visions of the divine prophets.

**Keywords:** Verse 172 of Surah A'raf, Alam Zar, Bani Adam, Zoriyeh, Siyaq.

برخی مفسران برای وجود عالم ذر به آیه ۱۷۲ سوره اعراف استناد کرده‌اند؛ ولی برخی، معنای واژگان و ظهور آیه را مخالف این ادعا می‌دانند. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف یافتن ترجمه صحیح و مطابق با شواهد سیاقی است تا پاسخی برای این پرسش بیابد که مناسب‌ترین ترجمه آیه ۱۷۲ سوره اعراف بر پایه ساختار و انسجام متنی سوره اعراف چیست؟ بر این اساس، با اصل قرار دادن معنای ظاهری واژگان آیه، به تبیین انسجام و ارتباط آیات سوره اعراف پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که محور اصلی این سوره، دعوت به تبعیت از قرآن کریم و انداز مخالفان این دعوت است و به همین منظور، عاقبت انکار دعوت حق را از حضرت آدم تا نبی خاتم بیان نموده و در آیه ۱۷۲ به یک جمع‌بندی می‌رسد و می‌فرماید: (ما فرزندان حضرت آدم را نسل به نسل پدید آوردیم و آنان را (پس از ارسال رسولان و بینات و اتمام حجت) شاهد خودشان قرار دادیم بر اینکه آیا من خدایتان نیستم؟ و آنان گفتند بله ما شهادت می‌دهیم. این اقرار به خاطر این است که در قیامت نگویند ما جاهل به آن بودیم). این ترجمه، نه بر عالم ذر دلالت دارد و نه بر ندای فطری؛ بلکه اقراری عقلی است که بر اساس مشاهدات آیات و بینات انبیاء الهی شکل گرفته است.

واژه‌های کلیدی: آیه ۱۷۲ سوره اعراف، عالم ذر، بنی آدم، ذریه، سیاق.

## ۱. مقدمه

در ترجمه و تبیین معنای آیه «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ» (اعراف/۱۷۲) اختلاف نظر فراوانی وجود دارد؛ عده‌ای این آیه را شاهی بر وجود عالم ذر می‌دانند و آیه را بر اساس همین دیدگاه ترجمه نموده‌اند. آنان بر این باورند که خداوند ذرات ریزی را از صلب حضرت آدم (ع) خارج کرده و با تعلق ارواح به آن‌ها، از آنان عهد و پیمان گرفته است (انصاریان، ۱۳۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳؛ مشکینی، ۱۳۸۰؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱۴۵؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۶۱۵/۲). برخی نیز بر اساس دیدگاه تفسیری زمخشری، بیضاوی، شیخ طوسی، سید قطب، علامه شرف‌الدین عاملی، میرداماد و معرفت، منکر معنای حقیقی آیه هستند و معتقدند این آیه در مقام تمثیل و مجاز است و به فطرت خداجوی انسانی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که انسان‌ها مطابق ذات و فطرت خود، به وحدانیت خداوند (بلی) گفتند (طاهری، ۱۳۸۰: حجتی، ۱۳۸۴؛ طبرسی، ۱۳۷۷: ۴۸۲/۱).

برخی نیز قسمت‌هایی از آیه را مطابق واقع دانسته و قسمتی از آن را تمثیل و مجاز می‌دانند (مفید، ۱۴۲۴: ۲۲۱-۲۶۶). دیدگاه جدیدی نیز مراد آیه را بیان واقعیتی خارجی می‌داند که خداوند متعال به لسان عقل و وحی و با زبان انبیا از انسان میثاق گرفته است؛ یعنی خداوند در برابر درک عقلی و رسالت وحی از مردم پیمان گرفته تا معارف دین را بپذیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۱۰۸/۳۱-۱۱۰).

منشأ تعدادی از این اقوال، روایات فراوانی است که ذیل آیه محل بحث آمده و عالمی به نام (عالم ذر) را معرفی می‌کنند. در این روایات می‌خوانیم: خداوند همه فرزندان حضرت آدم را از پشت او بیرون آورده و خود را به آنان معرفی کرده درحالی‌که ذراتی بودند. سپس این

ذرات علیه خودشان اقرار کرده و بر ربوبیت پروردگار گواهی دادند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۷/۸). اکثر این روایات، مقطوع یا مرسله هستند و بیشترین روایت از ابن عباس نقل شده بدون اسناد به یکی از معصومین. ابوهیره، عمر بن الخطاب، معاویه بن ابوسفیان، عایشه، عبدالکریم بن ابی‌امیه، مقاتل و ابوموسی اشعری از دیگر راویان روایات عالم ذر می‌باشند. در منابع شیعی نیز روایاتی منسوب به امام علی و امام باقر و امام صادق و امام حسن عسگری (علیهم‌السلام) روایت شده که غالب این روایات تشابه لفظی و معنوی شدیدی با همان روایات ابن عباس و ابوهیره و دیگران دارند.

علاوه بر ضعف سند، محتوی و متن روایات مربوط به عالم ذر نیز تناقضات آشکاری دارد؛ بعضی روایات، منشأ خروج ذرات را از خاکی که به‌شدت توسط خدا مالش داده شده می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۲-۷)؛ و بعضی روایات، خروج ذرات را از صلب حضرت آدم دانسته که به یک‌باره خارج شده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۳). زمان عالم ذر نیز مبهم است. برخی روایات، وقوع آن را قبل از خلقت زمین و قبل از خلق حضرت آدم بیان کرده و یا پس از خلق حضرت آدم و قبل از خروج او از بهشت و تعدادی روایات نیز آن را پس از خروج حضرت آدم از بهشت بیان کرده‌اند (همان).

در مورد فراز (أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ) نیز بعضی روایات آن را به معنای گواه و شهادت دادن فرشتگان و یا ذرات دانسته‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۴۱/۲؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۱۴۱/۳)؛ ولی بعضی آن را به معنای مشاهده نمودن و دیدن ذرات می‌دانند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۲). در مورد نحوه میثاق الهی نیز بعضی روایات آن را گفتاری دانسته (همان) و در بعضی اخبار آمده که ذرات با خداوند دست پیمان داده‌اند (عیاشی، ۱۳۸۰: ۳۷/۲) و بعضی آن را دلی و باطنی

## ۲. پیشینه پژوهش

علاوه بر دیدگاه‌های تفسیری و روایات متعددی که در تفاسیر جامع، ذیل آیه محل بحث آمده، مقالاتی با عنوان کلی عالم ذر و مباحث مربوط به آن ارائه شده که غالباً به نقل قول‌ها و ترجیح برخی اقوال بسنده شده و تحقیق جامع و کامل و نو ایده‌ای در تبیین معنا و ترجمه صحیح این آیه یافت نشد؛ برخی از مهم‌ترین این آثار از این قرار است:

سید مهدی رضایی و همکار (۱۴۰۰)، در نوشتاری با عنوان «بررسی تطبیقی دلالت آیات ۷ و ۸ سوره احزاب بر عالم ذر در اندیشه تفسیری علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله» به این نتیجه می‌رسد که نظر علامه طباطبایی در دلالت این دو آیه بر عالم ذر، بیانی مستدل بوده و از درجه اتقان بالایی برخوردار می‌باشد.

صغری رادان و همکار (۱۳۹۸)، در مقاله «بررسی روایات تفسیری عالم ذر» در زمینه روایات ذیل آیه ۱۷۲ سوره اعراف به این نتیجه منتهی شده که سند بسیاری از این روایات ضعیف بوده و دارای متنی مضطرب هستند و قابلیت استناد برای اثبات عالم ذر را ندارند.

جعفر اصفهانی و همکار (۱۳۹۱) در مقاله «نگاه تحلیلی به مسئله عالم ذر در مکتب تفکیک»، نظریه اندیشمندان تفکیک درباره وجود عالم ذر را پذیرفته و به این نتیجه می‌رسد که عالم ذر با تمام ارکان دین مرتبط است و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از شبهات در زمینه توحید و نبوت و معاد باشد.

علی افضلی (۱۳۸۸) نیز در مقاله «پاسخ به اشکالات کلامی و فلسفی درباره عالم ذر»، وجود عالم ذر را پذیرفته و اشکالات مخالفان را مبتنی بر تباعد ذهنی آنان می‌داند.

سید محسن میرباقری (۱۳۹۶) در مقاله «عالم ذر در قرآن کریم (بررسی ۱۴ آیه)» پس از بررسی دلالت آیات مختلف به این نتیجه رسیده که خداوند همه انسان‌ها را از

می‌داند (همان، ۴۰). در مورد نوع مشاهده نیز بعضی روایات، معاینه و دیدن با چشم را مطرح نموده‌اند (قمی، ۱۴۰۴: ۱/۲۴۸) و حتی پرسش و پاسخ ذرات با خداوند را نقل کرده‌اند (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/۱۴۳).

جبرگرایی و تثبیت اعمال و رفتار انسان‌ها و اینکه افراد نمی‌توانند عقایدشان را تغییر دهند و همچنین تشبیه و تجسم خداوند که بارها در این روایات تکرار شده است از جمله مواردی است که با مسلمات اعتقادی در تضاد است. در این روایات تأکید شده بر اینکه خداوند همه اعمال را تا روز قیامت نوشته و سپس قلم او خشک شده و دیگر تغییری در آن نوشته‌ها نیست و به همین خاطر، هیچ‌کس حق ندارد دیگری را نسبت به اعمالش مأخذ نماید (همان، ۱۴۱-۱۴۳).

با توجه به این مشکلات متنی و سندی، بهتر است صرف‌نظر از روایات ذیل آیه، بر خود متن آیه متمرکز شده و از معنای ظاهری واژگان آیه و همچنین قراین سیاقی و نحوه ارتباط آیات برای فهم آیه یاری طلبیم. بر این اساس، مقاله حاضر در نظر دارد برای فهم معنای صحیح آیه ۱۷۲ سوره اعراف، بدون در نظر گرفتن اختلاف دیدگاه‌های تفسیری و روایی، صرفاً با تکیه بر قراین متصل و منفصل و کشف نظم ساختاری سوره اعراف، به تبیین معنای آیه بپردازد تا به این دو پرسش پاسخ دهد که نحوه انسجام متنی سوره اعراف چگونه است؟ و ترجمه آیه ۱۷۲ سوره اعراف با توجه به انسجام متنی سوره چیست؟ به همین منظور، پس از یافتن معنای محوری سوره و کلیدواژگان پرتکرار آن، در پی یافتن نحوه انسجام ساختاری سوره خواهیم بود تا با یافتن حلقه اتصال‌های معنایی بتوانیم مقصود آیه را کشف نماییم.

از تأکید بر حقانیت کتاب الهی و دعوت مردم به پذیرش تذکرات و انذارهای قرآنی، چندین مرتبه بر این امر تأکید می‌نماید که همواره پیامبران الهی با ارائه بینات و رسالات و کتب و آیات محکم، مردم را به توحید دعوت می‌نمودند؛ عده‌ای عهد و میثاق پیامبران را پذیرفته و هدایت شدند؛ ولی متکبران و پیروان آن‌ها به خاطر تکذیب آیات و بینات الهی به عذابی سخت دچار شدند.

با توجه به این محتوی، می‌توان گفت محور اصلی سوره اعراف، دعوت به تبعیت از قرآن کریم و هشدار است به یهود و مشرکان مکه و همه انسان‌ها تا روز قیامت که در صورت عدم تبعیت از قرآن، به عذابی سخت گرفتار خواهند شد همان‌طور که اقوام گذشته در اثر انکار بینات و رسالات الهی به آن بلاها دچار شدند. برای برجسته شدن این معنای محوری، هم در آیات ابتدایی و هم در اواسط سوره و همچنین در اواخر این سوره طولانی به معرفی قرآن و حضرت ختمی مرتبت پرداخته و دلایل نبوت ایشان را متذکر می‌شود و قرآن را نور و حجت الهی دانسته و کسانی که از پیامبر اسلام تبعیت می‌نمایند را رستگار و نجات یافته معرفی می‌کند و به پیامبرش می‌گوید خود را به همه معرفی کن و بگو: ای مردم! من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم (اعراف / ۱۵۸).

#### ۲-۳- داستان‌های متعدد با ساختاری مشابه

نکته مهم و قابل تأمل سوره اعراف، بیان داستان‌های متعددی است که وجوه مشترک فراوانی با یکدیگر دارند. خداوند پس از دعوت به تبعیت از قرآن و انذار مخالفان، حدود چهارده حادثه و اتفاق را یادآوری می‌کند. ساختار و هدف این داستان‌ها تقریباً مشابه هم بوده و حتی برخی از جملات کلیدی آن عیناً و یا با تغییرات جزئی تکرار شده است. این حوادث تاریخی از این قرار است:

هبوط شیطان به خاطر تکبر و عدم تبعیت از امر الهی

گل آفریده است و این آفرینش در قالب بدنی ذره‌ای و فوق‌العاده کوچک است، به‌گونه‌ای که امکان فرار گرفتن همه ذریه آدم در صلب او وجود دارد.

علی‌رغم تعدد و فراوانی این نوشتار و تنوع مباحث ارائه شده، به‌نظر می‌رسد دیدگاه جامعی در این رابطه وجود ندارد. رسیدن به این دیدگاه منوط به بازبینی آیات و محتوای سوره اعراف است تا بر مبنای فهم انسجام متنی آیاتش بتوانیم مقصود واقعی و قریب خداوند را از الفاظ آیه محل بحث استخراج نماییم. بر همین اساس، نوشتن تحقیق حاضر ضروری به نظر رسید.

#### ۳. انسجام متنی و نحوه ارتباط آیات سوره اعراف

برای فهم صحیح و کامل یک آیه باید مجموع محتوای آن سوره در نظر گرفته شود تا از قراین و شواهد موجود در آن سوره بتوانیم به برداشت صحیح برسیم. تقطیع سخن و ترجمه و تفسیر آیه، بدون در نظر گرفتن بافت و محتوای سوره، نتیجه‌ای ناقص و در بسیاری موارد نادرست به دنبال دارد. بر همین مبنای فهم دقیق‌تر آیه ۱۷۲ سوره اعراف، ضمن یافتن معنای محوری سوره، محتوی و بافت سوره را مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به تحلیل معنای مفردات کلیدی آن بر اساس همخوانی با مضمون سوره خواهیم پرداخت.

#### ۱-۳- یافتن معنای محوری سوره اعراف

سوره اعراف مکی است (طبرسی، ۱۳۷۷: ۶۰۸/۴) و خطاب آن به مشرکان و مخالفان پیامبر اسلام است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۸). مضمون این سوره با متذکر شدن سرنوشت امت‌های عهدشکن پیشین، عاقبت تکذیب‌کنندگان و نوع عذاب آن‌ها را برای مخاطبان قرآن یادآوری نموده و نتیجه انکار دعوت حق و تکذیب پیامبران را به مشرکان و یهود عصر پیامبر گوشزد نموده است؛ به همین خاطر پس

است که قسمتی از اخبار آن را برای تو شرح می‌دهیم؛ پیامبران‌شان دلایل روشن برای آنان آوردند؛ ولی آنها چنان متکبر بودند که به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند، ایمان نمی‌آوردند (اعراف/۱۰۱).

۳-۳- وجوه اشتراک و جملات کلیدی و پرتکرار داستان‌های سوره اعراف

داستان‌های متعدد سوره اعراف به گونه‌ای است که ساختار مشابهی با یکدیگر دارند و با مضامین و عبارات تکراری و مشابه، هدف واحدی را دنبال می‌کنند، در هر یک از این حوادث، به ارائه بینه و اتمام حجت و عاقبت انکار و مخالفت با حقیقت اصرار شده و چندین مرتبه بر ناپودی قوم ظالم و جان‌شینی قومی دیگر تصریح شده است؛ برای نمونه به برخی از این محورهای مشترک داستان‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۳-۳- ارائه بینه و کتاب توسط پیامبران برای اتمام حجت

همه پیامبران الهی سعی داشته‌اند تا با ارائه بینه و ابلاغ آیات و رسالات الهی بر مردم احتجاج کنند؛

ارائه بینه توسط حضرت صالح برای قوم ثمود «قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (اعراف/۷۳).

ارائه بینه توسط حضرت شعیب برای مردم مدین «قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ» (اعراف/۸۵).

ارائه بینه توسط حضرت موسی برای فرعون «قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ» (اعراف/۱۰۵).

ابلاغ پیام‌های الهی توسط حضرت نوح «أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» (اعراف/۶۲).

ابلاغ پیام‌های الهی توسط حضرت هود «أَبْلَغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» (اعراف/۶۸).

ابلاغ پیام‌های الهی توسط حضرت صالح «لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي» (اعراف/۷۹).

(اعراف/۱۸-۱۱).

هبوط حضرت آدم (ع) بر زمین به خاطر سرپیچی از نهی الهی (اعراف/۲۵-۱۹).

غرق شدن قوم حضرت نوح (ع) به سبب تکذیب آیات الهی پس از اتمام حجت و دعوت به توحید (اعراف/۶۴-۵۹).

نابودی قوم عاد به سبب تکذیب آیات الهی پس از اتمام حجت و دعوت آنان به توحید (اعراف/۷۲-۶۵).

نابودی قوم ثمود به سبب تکبر و انکار بینات الهی پس از اتمام حجت و دعوت آنان به توحید (اعراف/۷۹-۷۳).

هلاکت قوم لوط به خاطر عدم توجه به هشدارهای پیامبرشان نسبت به ترک گناه (اعراف/۸۴-۸۰).

نابودی تکذیب کنندگان متکبر مدین به سبب تکذیب حضرت شعیب (ع) (اعراف/۹۳-۸۵).

غرق شدن فرعونیان به خاطر تکذیب آیات الهی و انکار بعثت حضرت موسی (ع) (اعراف/۱۳۶-۱۰۳).

ذلت و خواری بنی اسرائیل به سبب انحراف فکری و پرستش گوساله (اعراف/۱۵۲-۱۳۸).

هلاکت هفتاد نفر از بنی اسرائیل به سبب درخواست غیرمنطقی رؤیت خدا (اعراف/۱۵۵).

عذاب سخت قوم بنی‌اسرائیل به خاطر سرپیچی از حکم تعطیلی و حرمت ماهیگیری در روز شنبه (اعراف/۱۶۶-۱۶۳).

همان‌طور که مشاهده شد محتوای اکثر این داستان‌ها بر ارسال رسل برای دعوت مردم به توحید و اتمام حجت به وسیله کتاب، آیات، بینات و رسالات الهی تأکید دارد و علت عذاب الهی را انکار و تکذیب آیات و بینات الهی بیان نموده‌اند و تکبر را دلیل سرپیچی و انکار مخالفان بیان کرده است. در اثنای سوره اعراف، مضمون چند آیه بر همین موارد تأکید نموده و می‌فرماید: این‌ها، شهرها و آبادی‌هایی

\* ابلاغ پیام‌های الهی توسط حضرت شعیب «لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي» (اعراف/۹۳).

علاوه بر این، خداوند در چندین آیه بر ارسال پیامبران به همراه بینات و کتاب برای اتمام حجت بر بندگان تأکید نموده و می‌فرماید: «تِلْكَ الْقُرَى نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ» (اعراف/۱۰۱)؛ این شهرهاست که بخشی از داستان‌هایش را برای تو بیان می‌کنیم و یقیناً پیامبران‌شان برای آنان دلایل روشن آوردند.

### ۲-۳-۳- دعوت به توحید

محور مشترک دیگر این داستان‌ها دعوت پیامبران به توحید است به گونه‌ای که عبارت «يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف/۵۹، ۶۵، ۷۳، ۸۵) چهار مرتبه عیناً تکرار شده است؛

دعوت قوم نوح به توحید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف/۵۹).

دعوت قوم عاد به توحید «وَأِلَى عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ» (اعراف/۶۵).

دعوت قوم ثمود به توحید «وَأِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» (اعراف/۷۳).

دعوت قوم شعیب به توحید «وَأِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ...» (اعراف/۸۵).

### ۳-۳-۳- انکار نشانه‌های الهی به واسطه تکبر

نتیجه دعوت پیامبران الهی، تقسیم قوم به دو گروه مخالف و موافق است و خداوند در سوره اعراف یکی از مهم‌ترین عوامل تکذیب پیامبران را تکبر می‌داند و چندین مرتبه بر این مطلب تأکید نموده و می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (اعراف/۷۶)؛ متکبران گفتند: ما آنچه شما به آن ایمان آورده‌اید را انکار می‌کنیم؛ متکبران به این حد راضی نبوده و مردم را از گرایش به حق

منع نموده و پیامبران را تهدید به خروج از دیارشان می‌کردند «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنَ قَرْيَتِنَا» (اعراف/۸۸) (اشراف متکبر گفتند: «ای شعیب! به یقین، تو و کسانی را که به تو ایمان آورده‌اند، از شهر و دیار خود بیرون خواهیم کرد). تأثیر تکبر تا جایی است که خداوند علت هبوط ابلیس از بهشت را همین کبر ورزی دانسته و می‌فرماید: «قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا...» (اعراف/۱۳)؛ (گفت: از آن، فرود آی! تو حق نداری در آن، تکبر کنی).

### ۴-۳-۳- نابودی قوم ظالم و خلافت قوم جدید

یکی از سنت‌های الهی که در این سوره بر آن تأکید شده این است که اگر قومی حجت و بینات الهی را انکار کرد نابود می‌شود و قومی جدید به جای آن می‌آید. داستان‌های متعددی که در این سوره آمده بیانگر همین سنت الهی است؛ چنانچه در آیاتی به این مطلب تصریح می‌شود؛ برای مثال حضرت هود (ع) خطاب به قوم عاد می‌گوید: به یاد آورید که خداوند شما را جانشینانی پس از قوم نوح قرار داد «وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ» (اعراف/۶۹).

همین جمله را حضرت صالح (ع) خطاب به قوم ثمود بازگو می‌کند «وَ اذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ» (اعراف/۷۴). مضمون آیات ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۶۹ و چند آیه دیگر این سوره نیز بر جانشینی قوم جدید به جای قوم ظالم تأکید دارند.

### ۴. تحلیل معنایی مفردات کلیدی آیه ۱۷۲ با توجه به بافت

#### سوره

اکنون که به فهم نسبی ساختار سوره رسیده‌ایم، وقت آن است تا مفردات آیه را با توجه به بافت و ساختار سوره اعراف معنی کنیم؛ برای اختصار بحث، فقط به کلمات کلیدی و تأثیرگذار بر ترجمه آیه پرداختیم؛

#### ۱-۴- بنی آدم

(فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳۷/۴). در تحلیل معنای عبارت (من ظهورهم) باید این را در نظر گرفت که ضمیر جمع (هم) به لفظ (بنی آدم) برمی‌گردد (رازی، ۱۴۲۰: ۳۹۸/۱۵) و این عبارت، بدل از عبارت (بنی آدم) آمده (عکبری، بی تا: ۱۷۳) تا معنای آن را کامل نماید. با توجه به این دو مطلب، عبارت «مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ» گویای این معناست که فرزندان حضرت آدم، نسل به نسل و پی‌درپی جانشین یکدیگر شده‌اند (زمخسری، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۲؛ سبزواری نجفی، ۱۴۱۹: ۱۷۸)؛ بر این اساس، اخذ ذریه بنی آدم به صورت یکجا صورت نگرفته، بلکه در طول زمان و گذر ایام به وجود آمده‌اند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۴۱/۳). اکثر تفاسیر و تراجم قرآنی این معنی را پذیرفته و نقدی بر آن وارد نکرده‌اند (حقی بروسی، بی تا: ۲۷۳/۳)؛ هرچند این برداشت معنایی را ناسازگار با روایات ذیل آیه می‌دانند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۴۸۹/۳).

#### ۳-۴- ذُرِّيَّتَهُمْ

واژه (ذُرِّيَّة) و مشتقات آن ۳۲ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و در همه موارد، آن را به معنای (فرزندان) ترجمه کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۶۷/۳ و ۳۰۹/۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۶/۱) و می‌توان ادعا کرد کاربرد این لفظ در معنای تبار و فرزند (حقیقت قرآنی) شده است. این واژه از (ذرر) مشتق شده که معنای اصلی آن، نشر و پراکندگی دقیق است (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۷/۳) و به اعتبار پراکندگی مورچگان بر روی زمین، به مورچه نیز (ذر) اطلاق شده و به واسطه پراکندگی فرزندان انسان بر روی زمین، همراه با یاء نسبت و تاء تأنیث به معنای فرزندان آدمی به کار می‌رود (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۳۰۷/۳). با پذیرش این معنا که تقریباً مورد قبول همه مترجمان و مفسران قرآن است، عبارت (أَخَذَ ذُرِّيَّةً) به معنای ایجاد و ظهور و تولد فرزندان یک نسل است؛ چنانچه در آیه بعد از آیه محل

عبارت (بنی آدم) به معنای فرزندان حضرت آدم (ع) است و تمامی انسان‌ها از بدو خلقت تا روز قیامت را مورد خطاب خود قرار داده است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۸/۸). این عبارت فقط هفت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته که پنج مرتبه آن در سوره اعراف آمده است. از آنجاکه این عبارت، پس از بیان داستان هبوط حضرت آدم آمده، می‌تواند مذمتی باشد برای افرادی که خود را تابع پدران گمراه خویش می‌دانند و می‌گویند: ما راه پدرانمان را ادامه می‌دهیم «وَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا آبَاءَنَا» (اعراف/۲۸)؛ (و همانا پدران ما مشرک بوده‌اند و ما فرزندان ایشان بودیم)؛ «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ...» (اعراف/۱۷۳)؛ (یا بگویند: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندان بعد از آن‌ها بودیم). در واقع، تکرار عبارت (بنی آدم) تلنگری است به این افراد تا بفهمند حضرت آدمی که پدر همه بشریت بوده و خطاب امر و نهی را به صورت مستقیم از خود خداوند شنیده و از نزدیک شاهد دشمنی آشکار شیطان بوده، به راحتی گرفتار فتنه شیطان شد، پس ای فرزندان آدم! هیچ‌گاه مگویید که ما از پدرانمان تبعیت می‌کنیم. آیه ۲۷ بر این معنی تصریح دارد و از فرزندان آدم می‌خواهد تا راه حضرت آدم را در تبعیت از شیطان نپویند «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ مِنَ الْجَنَّةِ» (اعراف/۲۷) (ای فرزندان آدم! شیطان، شما را نفریبد چنانکه پدر و مادرتان را از بهشت بیرون کرد)؛ بنابراین خطاب «یا بنی آدم» به همه انسان‌هایی است که نسل به نسل پا به عرصه حیات می‌گذارند و پدر همه آن‌ها حضرت آدم (ع) است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۶۰/۸؛ رازی، ۱۴۲۰: ۲۲۳/۱۴).

#### ۲-۴- من ظهورهم

واژه (ظهر) به معنای پشت و خلاف روبه‌رو است

برای تو بیان می‌کنیم، یقیناً پیامبرانشان برای آنان دلایل روشن آوردند، ولی آنان بر آن نبودند که به حقایقی که پیش از آمدن آن دلایل تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند. با توجه به این محتوی، می‌توان گفت: پیامبران با ارائه بینه و دلیل‌های محکم، حجت را بر قوم خویش تمام کرده و همه انسان‌ها شاهد و گواه وحدانیت و ربوبیت خداوند و حقانیت سخن پیامبران بودند؛ ولی تکبر و فریب دنیا مانع قبول این دعوت می‌شد.

قسمت پایانی آیه محل بحث، دلیل ارائه بینات و اخذ شهادت بر وحدانیت خداوند را بیان نموده و می‌فرماید: «أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ»؛ یعنی این گواهی را گرفت، تا مبادا روز رستاخیز بگویند: به‌راستی که ما از این (حقیقت آشکار)، غافل بودیم و کسی پروردگاران را به ما معرفی نکرد. در آیه بعد نیز دلیل دیگری برای اخذ شهادت از بنی‌آدم بیان شده و می‌فرماید «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ...» (اعراف/۱۷۳)؛ یعنی علت دیگر ارائه بینات و اتمام حجت و گرفتن شهادت از هر یک از شما بندگان این است که نگویند پدرانمان پیش از ما مشرک بودند و ما فرزندانمان پس از آنان بودیم.

##### ۵. ترجمه آیه ۱۷۲ سوره اعراف

همان‌طور که بیان شد، محتوای سوره اعراف، بر محوریت دعوت به توحید و تبعیت از قرآن و پیامبر اسلام نازل شده و خداوند برای تبیین این مطلب، ضمن بیان داستان‌های متعدد، عاقبت اقوام گذشته‌ای که از کتاب و دعوت پیامبران الهی سرپیچی کرده بودند را یادآوری می‌کند و بر این مطلب تأکید دارد که همه اقوام گذشته‌ای که توجهی به کتاب و بینات الهی نداشته و منکر دعوت پیامبران بوده‌اند به عذاب الهی دچار شدند. محتوا و تکرار واژگان مشابه به‌کاررفته در این داستان‌ها به‌گونه‌ای است که این معنا را به

بحث نیز به همین معنی تصریح دارد و می‌فرماید «أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ» (اعراف/۱۷۳) یعنی مبادا بگویند: «پدرانمان شرک می‌ورزیدند و ما هم نسل و فرزندانمان بعد از آنان بودیم». بدیهی است که غیر از معنای فرزندان را نمی‌توان برای (ذُرِّيَّةً) در این آیه فرض نمود و استعمال این واژه در دو آیه متوالی را می‌توان شاهی دانست بر معنای بیان شده.

##### ۴-۴- اَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ انْفُسِهِمْ

لفظ (أَشْهَدُ) ماضی باب (إفعال) و به معنای شهادت گرفتن است نه شهادت دادن (زمخشری، ۱۴۰۷: ۱۷۶/۲) و فاعل آن، ضمیری است که به (رب) در ابتدای آیه برمی‌گردد؛ بنابراین، عبارت «أَشْهَدُهُمْ عَلَىٰ انْفُسِهِمْ» یعنی خداوند هر نسلی از بنی‌آدم را گواه و شاهد بر امری قرار داد تا اینکه علیه خودشان شهادت بدهند. آنچه انسان بر آن گواه و شاهد بوده، همان وحدانیت و ربوبیت الهی است که همه انسان‌ها بر آن اقرار می‌کنند «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ». عبارت «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ» استفهام تقریری است که از شاهدان گرفته می‌شود. به بیان دیگر، خداوند می‌فرماید: ای انسان! آیا پس از ارائه بینات و اتمام حجت رسولان، شما شاهد و گواه نبودید که من پروردگار شما هستم؟ و آن‌ها علیه خود، شهادت می‌دهند که بله، تو رب ما بودی.

برای فهم بهتر این معنی، لازم است به محتوی و بافت آیات سوره اعراف توجه کنیم که داستان‌های متعددی از فرستادن پیامبرانی همچون: نوح، ثمود، عاد، لوط، شعیب و موسی بیان شد با تأکید بر این مطلب که هر یک از این رسولان، قوم خویش را به توحید دعوت نموده و با ارائه بینه، رسالات، کتاب و معجزه بر آنان اتمام حجت کردند «تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِهَا وَ لَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ...» (اعراف/۱۰۱)؛ (این شهرهایی که بخشی از داستان‌هایش را



قرینه و شاهدی مبنی بر فطری بودن این آیه یافت نشد.

۶. مشابهت معنایی آیه ۱۷۲ سوره اعراف با مضمون آیات دیگر

آیات فراوانی در دیگر سوره‌های قرآن آمده که از نظر واژگان و معنی، مشابهت فراوانی با آیه محل بحث دارند و می‌توان این آیات را قرینه و شاهدی بر ترجمه آیه محل بحث قرار داد؛ برای مثال، در آیه ۱۳۰ سوره انعام آمده (ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آن‌ها می‌گویند: بر ضد خودمان شهادت می‌دهیم؛ (آری)، ما بد کردیم؛ زندگی دنیا آن‌ها را فریب داد؛ و به زیان خود گواهی می‌دهند که کافر بودند) (انعام/۱۳۰). سپس دلیل استشهاد را بیان نموده و می‌فرماید: (اخذ شهادت به خاطر آن است که پروردگارت هیچ‌گاه مردم شهرها و آبادی‌ها را به خاطر ستم‌هایشان در حال غفلت و بی‌خبری هلاک نمی‌کند) (انعام/۱۳۱). در ادامه، به جانشین شدن ذریه قومی جدید به جای قوم ظالم تصریح می‌نماید و می‌فرماید: اگر بخواهد، همه شما را می‌برد؛ سپس هر کس را بخواهد جانشین شما می‌سازد؛ همان‌طور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد؛ «إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ ءَأَخْرَيْنَ» (انعام/۱۳۳). مشابهت این سه آیه سوره انعام با آیه محل بحث به‌خوبی واضح است و از سیاق و الفاظ مشابه آن می‌توان برای تائید معنای بیان شده بهره گرفت.

آیه ۸۱ سوره آل‌عمران نیز تائید دیگری است بر صحت معنای بیان شده. خداوند در این آیه به‌صراحت بر میثاق و عهد پیامبران تصریح نموده و می‌فرماید: (یاد کنید هنگامی را که خدا از پیامبران پیمان محکم گرفت که هرگاه به شما

مخاطبان قرآن تلقین کند که از حضرت آدم ابوالبشر تا نبی خاتم، سنت الهی بر این بوده که حجت را بر بندگان خویش به اتمام رساند، هرچند تکبر، مانع پذیرش توحید و تبعیت از رسولان الهی بوده است. خداوند پس از بیان این داستان‌ها در آیه ۱۷۲ و ۱۷۳ به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری داستان‌ها پرداخته و می‌فرماید: و (به‌خاطر بیاور) هنگامی را که پروردگارت از صلب بنی‌آدم، نسلشان را پدید آورد و آنان را بر خودشان گواه گرفت بر این‌که آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی دادیم. چنین کرد تا روز قیامت نگویید: ما از این [حقیقت آشکار و روشن] بی‌خبر بودیم؛ یا نگویید: پدرانمان پیش از ما مشرک بودند، ما هم فرزندان و نسلی بعد از آنان بودیم؛ پس آیا ما را به سبب آنچه باطل‌گرایان انجام دادند، هلاک می‌کنی؟! «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ ۖ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَ فَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ» (اعراف/۱۷۲-۱۷۳).

اکثر مترجمان قرآنی، همین ترجمه را ذیل آیه آورده‌اند (انصاریان، ۱۳۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳؛ مشکینی، ۱۳۸۰؛ رضایی و دیگران، ۱۳۸۳؛ گرمارودی، ۱۳۸۴؛ آیتی، ۱۳۷۴)؛ ولی برخی مترجمان، توضیحاتی در متن ترجمه اضافه کرده‌اند که منشأ روایی دارد و از الفاظ و عبارات آیه استنباط نمی‌شود (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۰؛ خسروی، ۱۳۹۰؛ بلاغی، ۱۳۸۶؛ طاهری، ۱۳۸۰). بر این اساس، مضمون و الفاظ این آیه هیچ دلالت مستقیم و غیرمستقیمی به عالم ذر و خروج ذرات آدمی از صلب حضرت آدم (ع) نداشته و صرفاً در مقام بیان یک سنت مستمر در طول حیات انسان‌هاست که از ابتدای سوره تا آیه محل بحث، بارها بر آن تصریح شده است. همچنین

نخستین پیمانی که در تورات ذکر شده پیمانی است که خداوند قبل و بعد از طوفان با نوح بست؛ «خداوند نوح و پسرانش را برکت داده بدیشان گفت: «بارور و کثیر شوید و زمین را پر سازید ... اینک من عهد خود را با شما و بعد از شما با ذریت شما استوار سازم» (پیدایش، ۱: ۹ و ۱۰).

پس از حضرت نوح، همین عهد با حضرت ابراهیم تجدید می‌شود «عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست و تو را بسیار بسیار تکثیر خواهم گردانید» (پیدایش، ۱۷: ۲)؛ «تو را بسیار بارور نمایم و امت‌ها از تو پدید آورم و پادشاهان از تو به وجود آیند و عهد خویش را در میان خود و تو و ذریتت بعد از تو، استوار گردانم که نسل بعد نسل عهد جاودانی باشد تا تو را و بعد از تو ذریت تو را خدا باشم» (پیدایش، ۱۷: ۷-۸).

خداوند به حضرت یعقوب نیز این عهد را یادآوری می‌نماید: «من هستم، یهوه، خدای پدرت ابراهیم و خدای اسحاق؛ این زمین را که تو بر آن خفته‌ای به تو و به ذریت تو می‌بخشم. ذریت تو مانند غبار زمین خواهند شد و به مغرب و مشرق و شمال و جنوب منتشر خواهی شد و از تو و از نسل تو، جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت» (پیدایش، ۲۸: ۱۳-۱۴). همچنین خداوند با ارمیاء نبی این عهد را تجدید کرده و می‌گوید: «این است عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست، شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود» (ارمیاء، ۳۱: ۳۱-۳۴). برخی مفسران مسیحی این عهد نوین را نوید ظهور حضرت عیسی می‌دانند (ماسون، ۱۳۷۹: ۳۵۴). در سفر تثنیه حضرت موسی، خطاب به بنی‌اسرائیل آمده: «امروز به یهوه اقرار نمودی که خدای توست و این‌که به طریق‌های او سلوک خواهی نمود و فرامین و اوامر و احکام او را نگاه داشته، آواز او را خواهی شنید و خداوند امروز به تو اقرار

کتاب و فرزاندگی دادم، سپس فرستاده‌ای به سوی شما آمد که مؤید آن چیزی است که با شماست، حتماً به او ایمان آورید و قطعاً یاریش کنید. [آنگاه خدا] گفت: آیا اقرار کردید؟ و پیمان محکم مرا بر آن پذیرفتید؟ گفتند: (آری) اقرار کردیم. [خدا به آنان] گفت: پس گواه باشید؛ و من [نیز] با شما از گواهانم). بدیهی است که این میثاق و شهادت در دنیا و هنگام ارائه بینات الهی بوده (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳/۳۳۱) و ارتباطی با عالم ذر ندارد و می‌تواند قرینه و تأییدی باشد بر معنای بیان شده آیه ۱۷۲ سوره اعراف.

در آیات ۵۰ سوره غافر، ۹ ملک، ۷۱ سوره زمر، ۸۳ و ۸۴ سوره بقره و ۷ سوره احزاب بارها به این مضامین تصریح شده و مقصود از شهادت و اقرار به خوبی بیان شده؛ چنانچه از زبان نگهبانان دوزخ از کافران سؤال می‌شود: آیا رسولانی از میان شما به سویتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما بخوانند و از ملاقات این روز شما را بر حذر دارند؟! (زمر/۷۱) و اهل دوزخ اقرار می‌کنند: آری، پیامبران آمدند و آیات الهی را بر ما خواندند، ولی ما مخالفت کردیم! (ملک/۹).

۷. مشابهت معنایی آیه ۱۷۲ سوره اعراف با فرازهایی از کتاب مقدس

با مطالعه و تأمل در متن تورات و انجیل، هیچ تصریح یا حتی اشاره‌ای به خلقت نخستین یا عالم ذر نمی‌توان یافت (ماسون، ۱۳۷۹: ۳۵۰)؛ بلکه صحبت از جانشین شدن ذریه انبیاء الهی است و نشر و نمو آن‌ها بر روی زمین و گرفتن عهد و میثاق الهی از انبیاء الهی از حضرت نوح گرفته تا عیسی نبی‌الله و حضرت موسی کلیم‌الله و عبارت‌های فراوانی مشابه با محتوای آیه مورد بحث یافت می‌شود که برای قضاوت بهتر، برخی از این متن‌ها را نقل می‌کنیم.

تمام می‌شد؛ گاه با ناقه‌ای که از دل سنگ برآمده و گاه با عصا و ید بیضا و گاه با الواح و کتاب‌های آسمانی.

#### ۹. نتیجه‌گیری

محور سوره اعراف، دعوت به تبعیت از قرآن کریم و هشدار است به یهود و مشرکان مکه و همه انسان‌ها تا روز قیامت که در صورت عدم تبعیت از قرآن، به عذابی سخت گرفتار خواهند شد. برای تبیین این معنی، پس از ذکر عاقبت ترمذ حضرت آدم (ع)، از تمامی فرزندان آدم می‌خواهد تا از داستان پدر خود عبرت گرفته و از شیطان تبعیت نمایند.

در این سوره ضمن بیان داستان‌های متعدد بر این مطلب تأکید شده که رسولان الهی بینه و حجت را بر تمامی بندگان به اتمام رسانند به‌گونه‌ای که وجدان آنان بر حقانیت و وحدت خداوند اقرار دارد هرچند تکبر، مانع پذیرش آن شد.

پس از اتمام این داستان‌ها، در آیه ۱۷۲ به نتیجه این داستان‌ها اشاره شده و می‌فرماید: ما بر تمامی فرزندان حضرت آدم، نسل به نسل، حجت را به اتمام رساندیم و همگی شاهد حقانیت و صدق پیامبران بودند، اگرچه عده‌ای آن را انکار کردند؛ بنابراین، آیه ۱۷۲ سوره اعراف با عالم ذر ارتباطی ندارد؛ بلکه در مقام بیان یک سنت الهی است که نسل به نسل، حجت را به‌وسیله رسولانش بر همه انسان‌ها به اتمام می‌رساند. به بیان بهتر، هشدار است به منکران قرآن و مخالفان رسالت پیامبر اسلام تا با مرور این سنت الهی به عاقبت انکار خویش بنگرند.

(بنی‌آدم) به معنای فرزندان آدم و (ذریه) یعنی نسل و فرزندان آدم و (ظهورهم) به معنای نسل‌های انسان‌هایی است که پس از نابودی قوم ظالم به دنیا آمده‌اند. محتوای این آیه، تصویر کلی از سرگذشت نسل‌های بشری است که

کرده است که تو قوم خاصّ او هستی، چنان‌که به تو وعده داده است» (سفر تنبیه، ۲۶: ۱۷-۱۹). حضرت یوشع نیز خطاب به قوم خود می‌گوید: «شما بر خود شاهد هستید که یهوه را برای خود اختیار نموده‌اید تا او را عبادت کنید» گفتند: «شاهد هستیم» (کتاب یوشع، ۲۴: ۲۰-۲۴). این عبارات، مشابهت معنایی فراوانی با آیه محل بحث داشته و می‌تواند تأیید دیگری باشد بر معنای صحیح آیه ۱۷۲ سوره اعراف.

#### ۸. ارتباط آیه با فطرت

برخی مفسران، با تأکید بر اینکه میثاق الهی با به‌پای خلقت هر انسان و با پا گذاشتن او به عرصه وجود اخذ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۰۵/۵)، محتوای آیه را به معنای فطرت حمل کرده و ندای درونی او بر ربانیت الهی را همان گواهی و شهادت او دانسته‌اند و بر این باورند که انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که در خود، ربوبیت خداوند را مشاهده می‌کند و به آن اقرار دارد از این رو اگر گرفتار هواهای نفسانی نگردد به‌آسانی آن را شاهد خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۴۰۰/۵). این دیدگاه تفسیری در چند ترجمه قرآنی نیز لحاظ شده است (طاهری، ۱۳۸۰: حجتی، ۱۳۸۴).

حسن این دیدگاه در این است که به‌ظاهر آیه پایبند بوده و معنای صحیح واژگان را لحاظ نموده؛ لیکن شاهد و قرینه‌ای بر این ادعا نمی‌توان یافت، چون انسان‌ها با درکی واقعی و بدون تردید در پاسخ به پرسش الهی، بلی گفته‌اند و این بلی، صرفاً یک ندای درونی نیست بلکه اقرار و پذیرشی است که بر اساس فهم و درک آیات و بینات روشن شکل گرفته است؛ چنان‌چه در این سوره بارها تکرار شد که پیامبران با ارائه بینات روشن و انکارناپذیر، قوم خویش را به توحید دعوت می‌کردند و حجت بر آنان

- در طول تاریخ پا به عرصه حیات گذاشتند و پیامبران الهی با ارائه کتاب، آیات، بینات، رسالات و معجزات، حجت را بر آنان تمام کردند تا آنان در قیامت نگویند ما از جاهلان
- منابع
- بودیم.
- توحید و دوری از شرک و فحشا همان عهدی است که پیامبران برای دعوت به آن، بینه ارائه می‌کردند.
- قرآن کریم با ترجمه آیتی، الهی قمشه‌ای، انصاریان، حجتی، رضایی اصفهانی، طاهری قزوینی، گرمارودی، مشکینی، مکارم شیرازی.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق). التحریر و الثنویر. بیروت: موسسه التاریخ.
- اصفهانی، جعفر؛ اکبری، رضا (۱۳۹۱). «نگاه تحلیلی به مسئله عالم ذر در مکتب تفکیک». پژوهش‌های فلسفی - کلامی. دوره ۱۴، شماره ۲. صص ۴۳-۵۹.
- افضلی، علی (۱۳۸۸). «پاسخ به اشکالات کلامی و فلسفی درباره (عالم ذر)». فلسفه دین. دوره ۶، شماره ۴. صص ۸۵-۱۱۲.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶ق). البرهان فی تفسیر القرآن. تهران: بنیاد بعثت.
- بلاغی، سید عبد الحجت (۱۳۸۶ق). حجة التفاسیر و بلاغ الإکسیر. قم: انتشارات حکمت.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تفسیر موضوعی قرآن کریم فطرت در قرآن. تنظیم محمدرضا مصطفی پور. قم: اسرا.
- حقی بروسی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
- خسروانی، علی‌رضا (۱۳۹۰). تفسیر خسروی. تهران: انتشارات اسلامیه.
- رادان، صغری؛ دیاری بیدگلی، محمدتقی (۱۳۹۸). «بررسی روایات تفسیری عالم ذر». حدیث پژوهی. دوره ۱۱، شماره ۲۲. صص ۱۵۵-۱۷۶.
- رازی، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- رضایی، سید مهدی؛ قاضی‌زاده، کاظم (۱۴۰۰ش). «بررسی تطبیقی دلالت آیات ۷ و ۸ سوره احزاب بر عالم ذر در اندیشه تفسیری علامه طباطبایی و علامه فضل‌الله». مطالعات تفسیری. دوره ۱۲، شماره ۴۸. صص ۱۲۱-۱۴۰.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.
- سزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله (۱۴۱۹ق). ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴ق). الدر المنثور فی تفسیر المأثور. قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تحقیق سید احمد حسینی. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.

- عکبری، عبدالله بن الحسین (بی تا). التبیان فی اعراب القرآن. عمان: بیت الافکار الدولیه.
- عهد عتیق و عهد جدید (۱۳۸۳). ترجمه ویلیام گلن، هنری مرتن، فاضل خان همدانی. تهران: اساطیر.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ق). کتاب التفسیر. تهران: چاپخانه علمیه.
- فراهیدی، خلیل بن أحمد (۱۴۱۰). کتاب العین. قم: نشر هجرت.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی. تصحیح موسوی جزائری، سید طیب. قم: دار الکتاب.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). الکافی. تحقیق غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد. تهران: دار الکتب الإسلامیه
- ماسون، ونیز (۱۳۷۹). قرآن و کتاب مقدس درون مایه های مشترک. ترجمه تهامی، فاطمه سادات. تهران: سهروردی.
- مدرس، سید محمدتقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن. تهران: دار محیی الحسین.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۲۴ ق). تفسیر القرآن المجید. قم: بوستان کتاب.
- میرباقری، سید محسن (۱۳۹۶). «عالم ذر در قرآن کریم (بررسی ۱۴ آیه)». پژوهش های قرآن و حدیث. سال ۵۰، شماره ۱. صص ۱۲۳-۱۴۲.